

زادروز تاریخی ۲۴ اسفند

امیر فیض - حقوقدان

بمناسبت سالگرد تولد رضاشاه کبیر این تحقیق تقدیم میگردد.

اهمیت کارواقدامات اجتماعی در نظرگاه تحقیق یکسان نیست. مقصود این است که قضاوت نسبت به کارها و اقدامات اجتماعی از سوی افراد و محققین نمیتواند یکسان باشد برخی به پاره ای از اقدامات نمره اول و بعضی به دیگر اصلاحات نمره اول میدهند.

اگر بخواهیم برای اقدامات و اصلاحات ایام سلطنت رضاشاه کبیر قاعده برترین راپیاده کنیم باوسواسها ومشکلات وبعثتهائی مواجه میشویم که نمیتوان براحتی به برترین هارسید، بنابراین میتوان به تناسب اهمیتی که افراد برای دستاورهای اقدامات رضاشاه کبیرقائلند این آزادی راقبول داشت که برترین رابه نظرخودشان انتخاب کنند.^۱

برترین اقدامات

«بولارد» در کتاب خاطراتش نوشته است.

«رضاشاه برای اولین بار ایرانیان را که عادت داشتند از هیچگونه نظم وقانونی تبعیت نکنند مجبورکرد که پیرو نظم وقانون باشند» (صفحه ۱۲)

ما ایرانیان تا قبل از سلطنت رضاشاه کبیر یعنی ۲۰ سال بعد از مشروطیت و ۱۳۰۰ سال بعد از استیلای اسلام قانون معنا ومفهومی در جامعه ایرانی نداشت، بمناسبت سیستم اجتماعی خاص ونظام فراگیر فنودالیته ونیز قدرت آخوند های شیعه در تمام مدت مشروطیت تازمان سلطنت رضاشاه کبیر نه چندان قانونی بتصویب مجلس رسید ونه آنچه که بتصویب رسیده بود به اجرا درآمد با آنکه متمم قانون اساسی مشروطه مردم ایران رادرمقابل قانون متساوی الحقوق میدانست ولی درهرگوشه ای از کشور روش ومقرراتی به اجرا درمیآمد که واضع آنها خوانین، ومجریان آن مباشرین خوانین ومشمولین آن رعایای همان خوانین بودند وخوانین خود بتقلید ودستورات آخوند مرجع تقلید وضع مقررات میکردند.

این زمان که از آن گفتگو شد ۲۰ سال از مشروطیت میگذشت ودرهرگوشه کشورمقرراتی خاصی که حاصل تفکرشخص خان بود بابصیرت (!!) وراه یابی آخوند مرجع به اجرادرمیآمد.

یک مورخ خارجی بنام «پاولویچ» در کتاب انقلاب مشروطیت ایران مطلبی دارد که شاهد موقعیت وضع مقررات آن زمان است؛ اونوشته است:

^۱ - برای مروری به برخی اقدامات ایران سازانه رضا شاه بزرگ به اینجا نگاه کنید. ح-ک

« نوکر یکی از خوانین ماکو بنام شیرزادخان را به امرخان چوب بستند در ایران خان هاجق مجازات بدنی نوکرهارادارند (این حق ناظر بر روابط بردگی است که به اعتبار شرع جاری بوده است = تحریر) کمیسیون نظامی-قضای که به محل اعزام شد (کمیسیون دولت رضاشاه کبیر) به شکایت نوکرخان رسیدگی کرد و خان رابه زندان و پرداخت جریمه نقدی به نوکر محکوم کرد. این حادثه مثل بمب صدا کرد و جملگی خوانین به حیرت افتادند و از توصیف این قانون شکنی عاجز بودند.....» (صفحه ۱۵۸)

تعمق در اظهار نظر مورخ مزبور بیان کننده این واقعیت است که مقررات مورد عمل خوانین چنان رسمیت داشته که اجرای قانون مصوبه مجلس و قانون اساسی کشور، به باور خوانین و مردم آن زمان نوعی قانون شکنی محسوب میشده است ۲۰ سال از وضع قانون اساسی که مجازات افراد را بدون حکم داگاه ممنوع کرده بود میگذشت ولی زارعین مجازات خودشان را بمیل و اراده ه خان حق میدانستند.

بزرگترین مشکلی که جوامع عقب مانده با آن روبرو هستند عدم عادت به قانون و احترام به آن و اجرای آن بامیل و رغبت است، جامعه وقتی به اجرای قانون عادت کرد از اجرای آن استقبال میکند و مهمترین مشکل جامعه از میان برداشته میشود در این حالت هم جامعه وضع قانون مورد نیاز خود رامیکند و هم آنرا اجرامینماید، رمز موفقیت اروپانیان در همین عادت به اجرای قانون است. مشروطیت و یاسیستم دموکراسی بدون عادت مردم به رعایت قانون بی مفهوم است. تغییر عادت یک جامعه از بی قانونی و یاقاومت در مقابل قانون رانمیتوان باوضع قانون جاری ساخت.

ملاحظات تاریخی نشان میدهد که توده مردم ایران بمناسبت موقعیت مذهب و آخوند در مقابل قوانین دولتی به مقاومت های سخت متوسل میشدند که برای نمونه میتوان به قانون نظام وظیفه و اجرای آن رجوع کرد که در شهرستان اراک مردم به کنسولگری انگلستان متحصن شدند (خاطرات سپهبد اقلوی)

وقایع مشهد، بختیاری که خواهان لغو قانون مالیات بردرآمد و قانون نظام وظیفه بودند و صدها مورد دیگر موید روح مقاومت سرکشی مردم در مقابل قانون است.

اساسا توده های وسیع مردم قانون را کفر میدانستند که می خواهد جای شرع و دین آنها را بگیرد.

آنجا که بولارد در خاطراتش نوشته رضاشاه مردم را مجبور ساخت که پیرو نظم و قانون باشند، درست میگوید

عمل رضاشاه کبیر در تغییر عادت مردم به رعایت و اجرای قوانین مصوبه مجلس نیاز به حرکت در مسیری داشت که توجه به آن در جوامع امروزی که مردم کم و بیش با قانون آشنائی دارند ممکن است متبوع نباشد.

برای حرکت در هر مسیری وسیله خاص و اراده و قدرت مخصوص لازم است لازمه هر تحولی در جوامع تلاش فوق العاده و احتمالا پاکداشتن روی چیزهایی است که ممکن است شکننده باشد همانطور که برای نجات یک انسان از مرگ، ناجی در بند شکسته شدن چیزهایی که نباید معمولا شکست نمیشود و انسان های واقع بین به نتیجه نجات مینگرند نه کاسه و کوزه شکسته، نجات کشور و حرکت جامعه بسوی مسیری که اورابه موج ترقی پیوند میدهد در جوامع بدون قانون و یاعادت به بی قانونی بدون حرکت در مسیر استبداد متور ممکن نیست. استبداد منور همان طریقی است که امیر کبیر به آن دست یازید ولی استبداد مطلق مانع ادامه آن مسیر گشت.

استبداد منور به آن معنی است که نور حاصله از عمل، جامعه را از ظلمت و تباهی به مدار روشنائی هدایت میکند درست عکس استبداد مطلقه و دینی که مانع حرکت جامعه و سبب عقب کشیدن جوامع هم میگردد.

قانونی کردن جامعه یعنی پل زدن روی قوانین شرعی و حرکت سالم جامعه بسوی حاکمیت خود، یعنی حکومت قانون و مردم نه شرع یعنی جدائی دین از حکومت و آزادی قانون.

بررسی های تاریخی گواه است که تمام تحولات زمان سلطنت رضاشاه کبیر که بی شمار و کاری بس بزرگ است که دیگران هم زحمت آنرا کشیده اند با عادت دادن مردم به رعایت قوانین مصوبه مجلس ممکن شد.

شهادت پرفسور <راجرم سبوری> رابعنوان شاهد مقصود میاوریم وبه نام جاویدان آن ایران ساز بزرگ درود توام بااحترام میفرستیم

راجرم گفته است :

«رضاشاه دربین سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۴۱ بسیاری از اهدافی را که ناسیونالیستها به آن معتقد بودند ولی هرگز نتوانسته بودند آنها را بعمل درآورند جامه عمل پوشانید. این رضاشاه بود نه ناسیونالیستها، نه روشنفکران، که باحمله به نیروهائی که درنظام اجتماعی سنتی با قدرت ریشه دوانده بودند، ایران را به قرن بیستم وارد ساخت، او بود که درمقابل مخالفانی که منافعشان به خطر افتاده بود یعنی اریستوکراسی مرکب از زمین داران بزرگ، روحانیون، تجار و سران عشایر ایستادگی کرد و برنامه نوسازی را به اجرا درآورد.

اوباجایگزین ساختن قوانین جدید مدنی و جزائی بجای شریعت وبتعمیم آموزش اجباری مجانی قدرت علما را درهم کوبید وبعلاوه باسیاست صنعتی ساختن کشور وایجاد انحصارهای دولتی به وابستگی اقتصادی ایران پایان داد»

برای دیدن چند ویدئو در باره رضا شاه بزرگ به اینجا نگاه کنید.

آن روز که خورشید در همیشه بهار ایران گل می انداخت، آنروز که خاموش بود تخت جمشید و دشت مرغاب، آنروز که تنها مانده بودند سعدی ها و فردوسی هایمان، آن روز که دلها بیگانه بودند در سرزمین مهر، خورشید ایران از درون آرزوهای ملت سر برآورد.

<http://1400years.org/rezashah.asp>

باید گفت هرگز مادری رضاشاهی دیگر نخواهد زانید اومردی بود هرنا ممکن را ممکن میساخت اگر اونی بود ایرانی هم نبود نویسنده ای که تاده سالگی با آن بزرگوار زیست میگوید در تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران دومرد آمد ایران را سرفراز و سربلند و پراوازه کرد درجهان اولی کورش بزرگ بود دومی رضاشاه بزرگ

ح.ک